



جبهه مردم افغانستان «جما»

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

پیام تسلیت به مناسبت درگذشت رفیق ناظر حسین "حسنی"

با دریغ و تالم فراوان استاد ناظر حسین "حسنی" در دیار غربت به جاودانگان پیوست !



با کمال نهایت تاسف و تالم اطلاع حاصل نمودیم که ناظر حسین "حسنی" یک تن از هوا خوان و اعضای سابقه دار جریان دموکراتیک نوین شعله جاوید ، عضو فعال "ساما" تا قبل از کنفرانس قوس 1362 شمسی در کابل و بعدا عضو فعال و از جمله اعضای موسس جبهه مردم افغانستان "جما" به اثر مریضی صعب العلاج که از مدتی عاید حالش گردیده بود بتاريخ (04/جون/2025) در حومه پاریس فرانسه به جاودانگان پیوست . بدینوسیله با ابراز خلوص نیت و همدردی به خاتم و فرزندان عزیزش تسلیت عرض نموده ، مسئولان و اعضای "جما" خود را در این غم و اندوه بزرگ شریک می دانند و وفات این رفیق نستوه را یک ضایعه برای جنبش آزادیبخش مردم افغانستان و "جما" پنداشته و بدین وسیله برای بازماندگانش و فامیل محترمشان صبر و استقامت میخوانند .

شناختم با استاد ناظر حسین "حسنی" برمیگردد به سالها دور، فکر میکنم که سال 1358 یا سال 1359 باشد . من از طریق رفیق صمد "حیرت" (امیدوارم که در قید حیات باشند) با ناظر حسین "حسنی" معرفی و هم حلقه آموزشی



شدم ، مسئولیت ما را رفیق صمد به عهده داشت . از آن زمان تا حال تقریباً حدود چهل و پنج (45) سال گذشت . اما ان خاطرات در ذهنم جاویدان و فراموش ناشدنی است .

ناظر حسین "حسنی" در یک خانواده تهیدست و در یک حویلی گلی در منطقه چهارقلعه وزیرآباد کابل ایام طفولیت و نوجوانی خود را در بستر فقر و تنگدستی سپری نموده است . از جمله شاگردان ممتاز لیسه استقلال بود. بعد از دوره لیسه شامل فاکولته اقتصاد پوهنتون کابل شد ، در ختم درس مدتی در انستیتوت محاسبه درس میداد و زمانی در فابریکه بوت آهو در بخش مالی کار می‌کرد.

بعضا در صحبت‌های خود از تنگ سگرت فروشی خود نیز یاد مینمود . اما استعداد و ذکاوت شگفت انگیزی داشت بسیار تیزهوش و دقیق بود . فصاحت زبان و طرز تکلم و برخورد اجتماعی آن هر انسانی را شفته و گرویده او میساخت . صحبت هایش مرتباً حاکی از پیام های مملو از افشاگری ها ، از بی عدالتی ها و تضاد های طبقاتی بود اکثراً مخاطبین مشخص خاص خود را داشت . مثلاً در مورد یکی از بورژوا کمپرادور های مشهور بنام عبدالواحد سرابی مالک و سهامدار بزرگ فابریکه بوت آهو صحبت های جالب از مناسبات آن با دربار میکرد. زمانی که از درد ها و رنج های مردم صبحت میکرد گلونش را بغض میفشرد . او بخاطر روابط نزدیکی که با زنده یادان انجنیر محمد علی ، قاضی ضیا و حفیظ "شفیع" داشت هر بار که درباره آنها صحبت می‌کرد بغض گلویش را می گرفت و اشک در چشمانش حلقه می زد.

ناظر حسین "حسنی" همبازی و یار کودکی و نوجوانی زنده یاد حفیظ "شفیع" بود در میدان فوتبال ، در روزهای بد و دشوار در کنار هم بودند ، ناظر حسین "حسنی" همراه با حفیظ "شفیع" به خاطر انعکاس کار های جبهات «ساما» با وجود که زندگی علنی داشت با تقبل خطر بارها در معیت خبرنگاران خارجی به ساحات خطرناک جنگ سفر نموده و رسالت خود را ادا نموده اند . چون ناظر زبان فرانسوی را به سطح عالی و نیکو فراگرفته بود . کلبه گلی ناظر حسین "حسنی" اکثراً محل امنی وبستر راحت برای زنده یاد حفیظ "شفیع" بود . ناظر باری قصه نمود که رفیق حفیظ "شفیع" در یک عملیات چریکی شهر زخم برداشته بود ، به حالت زخمی در حالی که خون از زخمش جاری بود بخانه ما آمده و الی تداوی و جور شدن آن زخم در منزل ما بود . متأسفانه که در فاصله بسیار کم بعد از این اتفاق به دام دشمن افتاد .

یکی از نوشته های تاریخی که ثبت دفتر جاوید شدگان جنبش و "ساما" گردیده ، نوشته ی پرمحتوای « **چریک وادی رنگبار**» در مورد رفیق حفیظ "شفیع" است که بنام مستعار (توفیق آذر) از طریق صفحات مجازی فیسبوک خان صمد منتشر شده است .

دور اول تماس های ما بعد از ضربه خوردن های پیهم "ساما" در کابل و از هم پاشی روابط تشکیلاتی برای مدت چندین سال از هم گسست و ما با هم ارتباطی نداشتیم . اتفاقات و حوادث طور پیش آمده بود که من کابل را ترک کنم و به پاکستان بروم و ناظر به مسکو برود . بعد چندین سال روی تصادف از طریق فیسبوک توفیق یافتیم که دوباره با هم در تماس شویم .



این بار نه مانند کابل از نزدیک بلکه از فاصله های بسیار دور با هم در تماس شدیم ناظر از فرانسه و من از فاصله چند هزار کیلومتری از یک گوشه دیگر اروپا . به روال معمول با صمیمیت و برده باری کامل روی گذشته ها و دوران باهم بودن ها صحبت های نمودیم از ضربات ، از مهاجرت ها و از دست دادن رفقای چون حفیظ ، قاضی ضیا ، و... و در نهایت با جمع بندی از حوادث ناگوار که در سازمان آزادیبخش مردم افغانستان " ساما " در کابل ، در شمالی و هرات ، و... اتفاق افتاده بود . با جمع از دوستان و رفقای دیگر در پی ایجاد یک نهاد مردمی منضبط انقلابی از بقایای پراکنده جریانات چپ انقلابی به ویژه سامایی های پراکنده در اقصی نقاط جهان بکار مشترک و تعهد دوباره آغاز نمودیم . در جریان کار ها ناظر حسین " حسنی " در تشخیص افراد سالم و معرفی افراد و تامین روابط رول ارزنده را داشت .

این تماس ما تا یک ماه قبل از جاودانه شدن اش بطور منظم ادامه داشت . آخرین باری که در تماس شدیم ناوقت شب اروپا بود که از طریق مسنجر رفیق زنگ زد و گفت فعلا برای گرفتن هوای تازه بیرون از حیاط منزل آمده و خواستم از این فرصت با شما هم در تماس شوم . بعد از احوالپرسی و شریک ساختن و توضیح وضعیت ناامید کننده صحنی خود ، از پیشرفت کارها " جما " جويا شد و آخرین آرزوهای خود را در حالی که شدت درد کاملاً در صدایش هویدا و محسوس بود ؛ با غرور و شهامت و شجاعت کم نظیر با تمنیات ، اینکه یکی شاهد دست آورده ها و موفقیت های بیشتر رفیقای خود باشم و دگر اینکه تشویم از یگانه فرزندم است که فرصت کافی برایم داده نشد تا آن را مانند خود تربیت کنم امیدوارم که همسر در تحقق این آرمان ام کوتاهی نکند.

ناظر حسین (بنام مستعار ضیا) از جمله اعضای فعال پروسه ایجاد جبهه مردم افغانستان " جما " و از جمله اعضای موسس " جما " بود و در تمام جلسات ان اشتراک نموده ، سهم فعال در تدوین منشور و سایر اسناد کلیدی " جما " داشته است . قبل از اینکه دچار مریضی لاعلاج شود (تومور مغزی) بنابر صفات صادق و امین بودنش از جانب رهبری " جما " به صفت مسئول بخش مالی " جما " تعیین شده بود . مریضی و حمله غیرمترقبه و به تعقیب ان تحت عمل جراحی و تداوی آن در بستر شفاخانه های فرانسه ، هیچگاه این فرصت را نیافت تا در تحقق این وظیفه با طرحات اقتصادی در زمان جنگ سهم بگیرد .

با تاسف روز گذشته از وفات المناک این رفیق ارجمند اطلاع حاصل نمودیم و همه ما را شوکه ساخت و در غم و اندوه فرو برد . نبود این رفیق نستوه و فرزند زحمتکش افغانستان در قلب مردم و جامعه سیاسی افغانستان محسوس است و بویژه برای " جما " یک ضایعه بزرگ بوده ، جای خالی و کمبود آن در میان هواداران و رهروان " جما " مشهود و محسوس است .

ناظر حسین " حسنی " در زمان اقامتش در فرانسه دست روی دست گرفته آرام نه نشسته بود روزانه در خدمت مردم خود بود که از دست نیروهای ارتجاعی واپسگرا و متحجر طالبان فرار نموده و به فرانسه آمده بودند ؛ ناظر در قسمت



تهیه ، ترتیب فرم ها و دوسیه های ، اسناد و مدارک برادران نو وارد افغان ، که هنوز با زبان فرانسوی آشنایی و بلدیت نه داشتند ، کمک و همکاری فراوانی می نمود و از این طریق مصدر خدمت به هموطنان خود بدون در نظر داشت مسائل قومی زبانی و مذهبی میشد . در خیر و شر مردم خود اشتراک فعال می نمود و در بسا موارد مشاوره های لازم را به دوستان میداد .

همچنان در صفحات مجازی به ویژه فیسبوک فعال بود . ناظر کوتاه می نوشت اما پرمعنی و پر از محتوا و پیام برای بیداری جامعه و جوانان در آن به خوبی تبلور داده میشد . بطور نمونه چند نوشته کوتاه آن را در زیر با دوستان شریک میسازم :

Nazer Hassani

20 جون 2021

جوانان عزیز، نهایت مایه ای سرور من است که دارید راجع به آینده مردم تان فکر می کنید که خود فکر کردن به سر نوشت مردمی که در سر راه چارسو غربت و بیچارگی ها رها شده است و بیدادیهای بیکاری ، فقر، بیچارگی ، هردم شهیدی ، بی نانی به سر پناهی ، اعتیاد فحشا، دزدی ، بی عدالتی از سرو روی کوچه و بازار این کشور می بارد و آنچه درد آور است مشتی از وطن فروشان حاکم به سر نوشت این بیچاره گان با ناز نخوت و کبر و غرور، ادا و رست وطن فروشانه مردم را به نام قوم و مذهب فریب داده و سرشان را به آخور بیگانه ها بسته و این زنده گی فرعون مآبانه را هرگز خواب هم نمی دیدند! دشمنی با علم و دانش چی سر های نازنینی را به خاک انداختند و بادر های شان از جانب دیگر بنام دموکراسی، آزادی و عدالت صدها عالم و استاد و سرمایه دار ملی که عاشق وطن شان بودن و عاشق مردم شان بودند از وطن بیرون کردند و از طرف دیگر یک مشت از عناصر عقب مانده را بنام مذهب و دین بر سرنوشت اقوام شریف کشورمان حاکم ساخته تا آسان تر بتوانند تمام ثروتها و منابع طبیعی کشورمان را به نرخ ثمن یعنی مفت به دست بیاورند.

پس چاره چیست ؟ و راه انسجام ملت ما به خاطر بدست آوردن آزادی و تطبیق عدالت چیست ؟ جوانان باید فکر کرد راه آزادی واقعی را سنجید! فکر کردن به خاطر عدالت خودش عبادت است.

24 می 2021

طرح دیگری برای هرچی بیچاره ساختن ملت هردم شهید ما!

و سپردن سرنوشت صحت مردم به دست دزدان و وطن فروشان ، در کشور هایی که هنوز دولت و حکومت شان در قبال مردم کشور خود احساس مسوولیت مینمایید دوسکتور عامه را هیچگاهی شخصی نساخته و یکی از وظایف اساسی دولت و حکومت میدانند (سکتور تعلیمات و صحت) و گاهی چپاول گران می دانند که در این سکتور پول نهفته است و



یک نوع شیوه دزدی به سبک مدرن است آنچه که در کشور ارباب وطن فروشان وجود دارد اما مردم غوغا برپا میکنند و حتی کودکان مکاتیب نیز به سرک برآمده فریاد میزنند صحت و تعلیم را به چپاولگران ندهید!

در کشور نازنین ما همه چیز را تاراج کرده اند چون دیگر راهی دزدی نمانده است و آخرین راه های دیگر را جستجو میکنند. هر فیصله و عمل این دولت صرف و صرفا بخاطر بینوا و بیچاره ساختن ملت ماست!

18 می 2021

سخنان دخترکی را که از حمله ی تروریستی برچی زنده مانده به راحتی می توان در ردیف سخنرانی های ویکتور هوگو گذاشت. دخترک به تروریستان چنین گفت:

«شما با تفنگ، ما با قلم مبارزه می کنیم. تاریخ گواه خواهد بود ، که کی برنده ی آینده می شود!»

رهبر من تو هستی دخترکم!"

17 می 2021

فلسطین ای سرزمین مقاومت و مظلومیت بنام، افتخارات تو را که در درازنای زمان لیلا خالد ، ژرژ حبش و یاسر عرفات که در قله بلند افتخارات انسانیت می درخشد و آن سوی دیگر برادران دلار و نفت چطور دارند با سازش با دشمنان بشریت حلقوم کودکان ات دریده تا صدای انسانیت و عدالت را خاموش کنند.

26 نومبر 2020

بی بی سی این دستگاه تبلیغاتی : این دشمن بشریت و انسانیت چطور از بزرگ مرد ، اسطوره ای فوتبال دیگو مارادونا رندانه یاد میکند و از کار ها بزرگ اش بخاطر عدالت یادی نمیکند!

BBC این دستگاه تبلیغاتی : این دشمن بشریت و انسانیت چطور از بزرگ مرد ، اسطوره ای فوتبال دیگو مارادونا رندانه یاد میکند و از کار ها بزرگ اش بخاطر عدالت یادی نمیکند!

9 نومبر 2020

یکی از شیوه های نظام جهان سرمایه داری تخریب است و تخریب جز پروسه تولید سرمایه داری است و اگر تخریب نباشد تولید صورت نمیگیرد. نمونه بزرگ ان تخریب عراق است ،در سال ۲۰۱۲ برای تخریب آن در حدود پنج تریلیون دلار ضرورت بود بعد از توافق با شرکت های آمریکایی در ظرف یک هفته تمامی بنیاد زیر بنا های آن را تخریب کردند و برای بازسازی آن پانزده تریلیون بدست آوردند که در نتیجه از تخریب عراق باز هم پنج تریلیون دالر نصیب شرکت آمریکایی شد. اما در کشور ها ی چون افغانستان تخریب مناطق سوق الجیشی و عامه فروش آن به بهای ناچیز ایجاد یک قشر طرفدار حاکمیت و تجاوزگر است. نمونه بزرگ در افغانستان دادن زمین ها دولتی به اقبال مفتخور و ستمگر که خود به نفع حاکمیت است و نیز ایجاد بلند منزل بدون مدنظر داشت امنیتی و صحتی قصدا ایجاد یک قشر طرفدار



حاکمیت است. خلاصه این زمین ها مال مردم است و بلند منزل ها که مانع جریان اکسیجن به سطح زمین میشود و باعث خلق هزارها نوع مرض و کم آبی شده و بالاخره ملت به خاک یکسان میشود.
این است دموکراسی و ثمره ای بربادی ملت.

9 نومبر 2020

(در مورد تخریب سینمایی پارک)

سینما، یک از بخش های مهم هنری در جهان امروزی است از جانب دیگر بیان گر سطح فهم مردمان یک کشور در درازنای زمان میباشد هنر سینما انسان های بزرگ را با خود داشته است که جنایت و پلشتی نظام ها و انسان ها را نشان می دهد چون چارلری و صد ها انسان های ارجمند دیگر. اگر خاطره میدان گزلی در ترکیه بخاطر داشته باشید که اردوغان این ادم ضد بشر میخواست برای مشت از تجار بی وجدان فروخته بود چپسان با مقاومت جانانه جوانان بیدار مواجهه شد. حال هم این چوجه جاسوس بیمقدار شاید بیانه اش را از کدام بچه اموک گرفته باشد.

یاد و خاطرات عزیزش گرامی و جاودان باد

«در پرتو درخشش خورشید آرمان

بر اقتضای منطق کوبنده زمان

با صد تلاش گرم به دنبال کاروان

با نیشخند طعنه به کندي همرهان

با نعره های خنده توفان بی امان

با شور موج سرکش و مست و تپش سرشت

مست از شراب عشقم و سرشار می روم»

شاعر: زنده یاد استاد داوود سرمد